



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

ادبیات کودکان

محمد همتی^۱، مهدی تپه رشی^۲

۱- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده اول: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

۲- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده دوم: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

آدرس پست الکترونیک نویسنده رابط: hemati6681997@gmail.com

چکیده

در این نوشتار تلاش کرده ایم تا راه های نفوذ ادبی در کودکان به ویژه دانش آموزان ابتدایی را پیدا کنیم ، هر سنی و هر مرحله از زندگی دارای ادبیات خاص آن سن است ، طبیعی است که ادبیات سنین بزرگسالی برای کودکان نا مفهوم و خسته کننده است و بالعکس ادبیات کودکان برای بزرگسالان دارای اهمیت کمتر و ساده تر است ما با توجه به همه عوامل بر آن بودیم که بتوانیم خدمتی به کودکان آینده ساز ایران عزیز کنیم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰۰-۷۷۸۶

ادبیات کودکان



ادبیات ترجمان احساسات ، عقاید و افکار ملت هاست دوام و اعتبار هر ملت مرهون ادبیات و آثار ادبی نویسندگان آن قوم است . کارنامه ها ، افسانه ها ، اسطوره ها ، قصه ها ، متل ها و مثل ها مظاهر تحولات سیاسی و اجتماعی و ادبی و نمودار صعود و نزول افکار ، روحیات و در یک کلمه فرهنگ جوامع بشری اند

●مقدمه:

ادبیات ترجمان احساسات ، عقاید و افکار ملت هاست . دوام و اعتبار هر ملت مرهون ادبیات و آثار ادبی نویسندگان آن قوم است . کارنامه ها ، افسانه ها ، اسطوره ها ، قصه ها ، متل ها و مثل ها مظاهر تحولات سیاسی و اجتماعی و ادبی و نمودار صعود و نزول افکار ، روحیات و در یک کلمه فرهنگ جوامع بشری اند .

ادبیات با تحولات اجتماعی هم آهنگ است و با پیشرفت های علمی و هنری توسعه می یابد . نوع این تغییر متناسب با نوع افکار حاکم بر جامعه است . چه بسا ملتی که ادبیاتش در یک دوره از زمان در نهایت پختگی ، شیوایی ، محکمی ، زیبایی ، فصاحت و رسایی بوده و در عصر دیگر قوس نزولی پیموده و به ابتدال گرائیده است .

هر چه جامعه از نظر علمی و اجتماعی توسعه یابد نیازش به ادبیات و شاخه های متنوع آن بیشتر می گردد ، زیرا افکار نو بایستی به وسیله ای تعبیر و بیان شوند هر چه این تعبیرات دقیق تر و لطیف تر و زیباتر باشد ، دلنشین تر و جذاب تر خواهد بود . فکر بشر تغییر می کند و گسترش می یابد لیکن غرایز طبیعی او زیاد دچار تغییرات نیست . احساسات ، عواطف و تمایلات روحی ، هنر دوستی ، همواره با بشر همراه است . و ادبیات پیوند نا گسستنی با این عناصر فطری دارد . و برای همین است که هیچ گاه کهنه نمی شود . حتی عده ای از دانشمندان معتقدند ادبیات یک پدیده جاودانه اجتماعی است که از هیچ جامعه ای حتی جوامع بدوی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰۰-۷۷۸۶

جدا نیست و همچون بسیاری از پدیده های اجتماعی قابل تعریف با کلام و الفاظ نیست. گروهی ادبیات را « مجموعه تظاهرات هنری هر قوم می دانند که در قالب کلام ریخته شده باشد.» و به تعبیری دیگر ادبیات « مجموعه بازتابهای آدمیان است در مقابل عوامل درونی و بیرونی که به صورت کلام همراه با تخیل و عاطفه در آمده و هدفش سعادت و خوشبختی آدمی است. این سعادت و خوشبختی در سایه ی تربیت صحیح امکان پذیر است. و تربیت بایستی از خردسالی انجام پذیرد. پس کودک و خرد سال به نوعی خاص ادبیات نیاز دارد. این ادبیات با تعاریفی که از ادبیات به معنای اعم شد، تفاوت کلی ندارد بلکه از آنجا که برای موجودی کم تجربه و در حال رشد ساخته می شود. باید عالی تر، جذاب تر و سازنده تر باشد. ادبیات کودک در ایران شاخه ای ضروری و دیررس بر تنه درخت تناور ادبیات به مفهوم عام به شمار می رود.

● بیان موضوع:

اندیشه پردازان مختلف با هر گونه نظام فکری لزوم ادبیات کودک در ایران را برای باروری هر چه بیشتر تفکر کودکان و شکل بخشیدن به گفتار و کردار او تأیید کرده اند. دیررس بودن این شاخه نتیجه ی شرایط متعدد حاکم بر اوضاع و احوال اجتماعی می باشد. چند دهه ی اخیر دوره ی رشد سریع ادبیات کودکان در ایران است. در این دوره مولفان و مترجمان تعداد چشمگیری از متون مختلف را برای کودکان تألیف و ترجمه کرده اند. تاریخ ادبیات کودک ایران نشان می دهد که پیشرفت آن توأم با چه حساسیتی بوده است. و در مدتی بس کوتاه ادبیات کودک این سرزمین در زمان کودکی خود از کودک فاصله بسیار داشت و به جای آنکه ادبیات کودکان باشد، ادبیات کودکانه ای بیش نبود. از آن زمان تا کنون سیری را که پیموده همواره به جهت رشد و توسعه و توجه به جهان خاص کودک و تخیلات او بوده است. وظیفه ی این ادبیات کشف واقعیت با تمام غنای آن برای کودک و همچنین تخیل و آفرینندگی فکری اوست. به همین دلیل، گونه هایی از ادبیات کودک را مانند: قصه، افسانه ها، مثل ها که در پرورش تخیل او موثرند بسیار ارج می نهیم.

ادبیات کودکان زمان شروع معینی ندارد. مطالعه در احوال ملل مختلف در تاریخ و تحقیق در زندگی اقوام ابتدائی ما را بر این وا می دارد که بگوییم از زمانی که مادر و طفل وجود داشته است شکلی از ادبیات کودک خلق شده. مادر یا پدر لحظاتی صمیمی سرودی یا ترانه ای یا افسانه ای را برای فرزند خویش می گفته و چون گفته و یادش صادق و صمیمی و از دل برخاسته بود لاجرم بر دل می نشست و نقش عمیق و موثر بر عهده داشت مانند:

۱ (آماده کردن طفل برای شناختن، دوست داشتن و ساختن محیط

۲ (شنا ساندن طفل به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت نفسانی و میل به اعتلای مداوم

۳ (سرگرم کننده و لذت بخش بودن

۴ (علاقمند کردن طفل به مطالعه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰۰-۷۷۸۶

● اهمیت موضوع:

بی شک هیچ گاه نمی توان نقش ارزنده ی زبان و ادبیات را در تاریخ تکامل بشریت منکر و یا آن را کم رنگ دید و به یقین ادبیات هر سر زمین چه به صورت مکتوب چه شفاهی نشان دهنده ی غنا، اصالت و بالندگی فرهنگ آن ملت است. و در این میان ادبیات ویژه ی کودکان دارای جایگاهی ویژه و ممتاز است. زیرا که دنیای کودکان دنیایی متفاوت از بزرگسالان است و هنوز ذهن ساده و پاک این فرشتگان زمینی نقشی از دنیای واقعی نپذیرفته است. در نظر کودک، پلنگ تیز دندان به رامی و بی آزاری گنجشک است و عقرب جزاره، به لطافت پروانه ی خوش خط و خال. سنگ خاموش در نزد آنها همانقدر گویاست که انسان با روح و سخنگو. به همین جهت، پاره های کاغذ ریخته و پراکنده، برای بزرگسالان صورتی زباله گونه و دور ریختنی دارد ولی برای کودکان رمزی و رازی دیگر. در خصوص ادبیات کودکان و تحقیق پیرامون این گستره ی وسیع کشور ما، کشور نوپایی است. البته این بدان معنا نیست که مثلاً گذشتگان در زمینه ی ادبیات کودکان کاری نکرده اند، ولی آنچه مسلم است اینکه تحقیقات آنان سیری منطقی و شکل نهایی خود را باز نیافته است. در واقع می توان گفت بسیاری از مطالبی که می تواند در یهنة ی ادبیات کودکان وارد شود، به صورت شفاهی بود. که ما جز آثاری اندک چیزی از آنها را در دست نداریم و آنچه هم از زمان مشروطیت به بعد به آنها پرداخته شده تاریخچه ای مدون و مطلوب نداشته است و محققان کمتر به آن پرداخته اند و جهات آن را مورد بررسی قرار داده اند.

نقش ادبیات شفاهی را بر ادبیات کودک نمی توان نادیده گرفت. تأثیر شگرف و غریب این ادبیات شفاهی بر روح و روان کودک آنچنان است گاه تا سالها در ذهن او نقش ماندگاری می گذارد.

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده معروف معاصر که اتفاقاً داستانهایی او برای کودکان، سرشار از ادبیات عامیانه است می نویسد: «ما ایرانیان در سرزمین قصه ها و تصویر های ناب و خیالهای شاعرانه زندگی می کنیم. پشت زندگی هر پرنده، هر حیوان، هر وسیله ی زندگی و هر درخت قصه و خیالی و شعری پنهان کرده ایم. خیام شاعر و فیلسوف معروف ایرانی کوزه را زیبارویی می بیند که دسته اش دستی است که روزگاری بر گردن دوستی بوده است و حافظ شاعر و عارف کشور ما قد و بالا و حرکات نرم و رقص گونه ی سرو را در باد نشانه ی انسان بلند بالا و خوش اندامی می داند که روزگاری جسمش در خاک شده.

و براستی که ما از این سرزمین و مردم که ذهن سرشار از شعر و خیال دارند، و نویسندگانی که با روحیه ای کودکانه به زندگی و اطرافشان نگاه کرده و قصه نوشته اند و من اینک نمونه ای از این قصه های زیبا و با طراوت به عنوان حسن ختام در این جا ذکر می کنم:

در آبادی ما چوپانی بوده است که توی شیر گوسفندانش آب فراوان می ریخته و به مردم، به جای شیر آب می فروخته. تا یک روز کاسه ی شیر از دستش می افتد و دمر می شود و ناگهان به صورت حیوان زشت و ترسناکی در می آید. این همان لاک پشت یا به اصطلاح روستای ما «کاسه پشت» است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

● ادبیات کودکان چیست ؟

نظریه پردازان بسیاری در باره ی ادبیات کودکان به سخن پرداخته اند و تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده اند . اما شاید جامع ترین تعریف این باشد:

« ادبیات کودک و نوجوان عبارتست از تلاش هنرمندانه در قالب کلام ، برای هدایت کودک به سوی (رشد) با زبان و شیوه ای مناسب و در خور فهم او . »

به دیگر سخن ، هر تلاش که به شیوه ای هنرمندانه و موثر و جاذب کلام را به خدمت گیرد تا در شکل های متفاوت شعر ، قصه و کودکان را به سوی تعالی و راه خدا سوق دهد و از گمراهی برهاند ، ادبیات اسلامی و کودکان و نوجوانان است .

ممکن است این سوال پیش آید که آیا تعریف مذکور مثلاً شامل قصه هایی که با هدف برخورد داشتن کودک از بازی با کبریت « و یا تشویق نوجوان به اتحاد و دوستی نوشته می شود و یا شعری که تنها سرور آفرین و لذت بخش است هم می شود ؟ در پاسخ باید گفت که « تلاش » یاد شده ، ابعادی گوناگون دارد ، هر شعر ، قصه ، « او » نوشته شده باشد ، قابل قبول و اسلامی است . می بینم که با این ترتیب ، دیگر ادبیات کودکان و نوجوانان ، چیزی جدای از مکتب و متفاوت با برنامه های هدایتی اسلام برای رشد انسان نیست ، بلکه خود اسلام منتها با ترتیب و زبانی در خور فهم ، و شکلی قابل قبول و جذاب برای کودک .

حال چند نمونه از تعاریف معمول از ادبیات کودکان - از دیدگاه های غیراسلامی :

مجموعه تظاهرات هنری هر قوم که در قالب کلام ریخته شده است .

البته تعریف فوق ، ادبیات را در معنای عام آن - اعم از ادبیات کودکان و بزرگسالان مد نظر دارد .

یا به کلیه ی نوشته هایی که مخصوص نسل جوان تهیه و انتشار داده می شود . چه داستان باشد و چه غیر داستان ، چه به نظم باشد و چه به نثر و چه در قالب کتاب ارائه شود ، چه به صورت مجله ، ادبیات کودکان گفته می شود .

تعریف اخیر به خوبی بی حساب و کتابی ادبیات کودکان را - که لابد خیلی ها خواستار آنند - در نظر نویسندگان مذکور نشان می دهد .

در جای دیگر آمده است : ادبیات کودک مجموعه نوشته ها ، سرود ها و گفتاری است که از طرف بزرگسالان جامعه برای استفاده ی خردسالان فراهم شده است .

● ادبیات کودکان در ایران :

کشور ما با همه ی عظمت و قدمت ادبی اش در زمینه ی ادبیات کودکان ، به مفهومی که ما امروز از این عنوان داریم ، تاریخچه ای بسیار مختصر دارد و در این راه طفلی نوپا ست . علت این امر را بیش از همه باید در تاریخچه ی فلسفه ی تعلیم و تربیت جستجو کرد .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در ایران نه فقط نویسندگان و محققین بلکه مربیان تا همین سالهای اخیر به کودکی و نوجوانی فقط به عنوان یک دوران آموزندگی و نقش پذیری نگریسته اند و هرگز این دوران را به خودی خود مورد مطالعه و مشاهده قرار نداده اند. بلکه همیشه آن را به صورت مرحله ای در راه رسیدن به بزرگسالی پنداشته اند.

برای آنها همیشه آینده ی بچه مطرح بوده است ولی اینکه این آینده با صرف چه نیرویی و تحمل چه رنج عبثی به دست خواهد آمد مهم نبوده است. به گفته ی دیگر در قدیم، و حتی شاید گزاف نباشد که بگوئیم هنوز هم بسیاری کسانی که معتقدند طفل، بزرگسالی است «کوچک» با قدرتی عظیم در آموختن. بنابراین باید از این قدرت او استفاده کرد و به تدریج همه ی آنچه را در بزرگی باید بداند در محفظه ی «ذهنش» ریخت. درباره ی اینکه این فلسفه و دید غلط چقدر باعث عقب افتادگی و نارسایی تعلیم و تربیت ما شده است در اینجا صحبتی نمی کنیم، ولی جا دارد که درباره ی تاثیر این فلسفه در بوجود آمدن یا بهتر بگوئیم «بوجود نیامدن» ادبیات کودکان در این مرزو بوم خوب بیندیشیم. این طرز تفکر درباره ی کودک و نوجوان باعث شد که هرگز کوششی علمی در راه شناخت واقعی شخصیت او در ایران انجام می گیرد. همین عدم شناسایی خود سبب شده که آنچه ظاهراً برای کودک و نوجوانان بوجود می آید. هیچ تجانسی با روحیه و طرز تفکر او نداشته باشد.

بدیهی است اینجا صحبت از ادبیاتی است که به نام کودک و نوجوان نوشته شده است و به هیچ وجه این گفته در باره افسانه ها و متلها و داستانها ی عامیانه ما صادق نیست. چه این مثلها و افسانه ها و داستانها را مردم می ساخته اند. یعنی پدران و مادران و این عمل دور از هر مقام طلبی و سود جویی انجام می گرفته است. مادر یا پدر در لحظاتی صمیمی، سرودی یا ترانه ای یا افسانه ای برای فرزند خوش می گفته است و چون گفته هایش صادق و صمیمی و از دل برخاسته بود لاجرم بر دل می نشست.

به این ترتیب می توانیم از: «جبار عسکر زاده (باغچه بان)، یحیی دولت آبادی مولف کتاب، شهرناز صنعتی کرمان مولف کتاب رستم در قرن بیست و دوم» عباسی یمینی شریف به عنوان پایه گذاران ادبیات نوین در ایران نام ببریم.

● انواع ادبیات کودکان:

کتابهایی که برای بهره گیری بچه ها تهیه و تولید می شود سه شکل دارند:

۱- کتابهای تصویری:

به آثاری اطلاق می گردد که تصویر وسیله انتقال پیام است. این کتابها برای بچه هایی است که هنوز به مدسه نرفته اند و سواد خواندن و نوشتن ندارند. تصویر خود زبان گویایی است که اگر در حیطه ی محدودیتهای ذهن کودکان تهیه شود می تواند پاسخ گوی بخشی از نیازهای بچه ها به کتاب و مطالعه فراهم آورد.

۲- کتابهایی که به نثر هستند. (آثار منشور)

در این نوع کتابها «کلمه» مبنای اصلی انتقال مفهوم است، اما به نسبت حسن مخاطب، از تصویری نیز برای انتقال بهتر مفهوم و ایجاد انگیزه و جاذبه ی بیشتر بهره گیری می شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آثار مثنور شامل مقالات ، نمایشنامه ها ، قطعات ادبی ، قصه های کوتاه و داستانهای بلند ی است که به منظور استفاده کودکان نوشته شده است.

۳- کتابهایی که منظوم اند (آثار منظوم)

کتابهایی هستند که کلام آهنگین را جامه ی مفاهیم خود ساخته اند . پدید آورنده ی چنین آثاری پیروی از قواعد و قوانین نظم و شعر فارسی را مد نظر دارد و به دلیل تأثیر خاصی که در کلام منظوم است ، این قالب را برای انتقال مقصودش اختیار کرده است . نظم های آموزشی ، قصه های منظوم و شعر های خیال انگیز که از جوهره ی شعری بر خور دارند . برای بچه ها سروده شده اند از جمله این آثار هستند.

● قصه منظوم:

قصه های منظوم کوتاه را در ادبیات فارسی به « حکایت منظوم » شناخته ایم و قصه های بلند را اعم از عشقی تاریخی و تمثیلی (در فلسفه و عرفان) منظومه خوانده ایم . بوستان سعدی حکایتهای منظوم است و داستانهای نظامی منظومه های است که تقریباً با درامهای اروپا یی همسانیهایی دارد.

برای کودکان نیز می توانیم قصه ها و نمایشنامه های منظوم داشته باشیم ، مخصوصاً نمایشنامه ی منظوم ، که کار حفظ کردن و اجرای نمایش را به واسطه موسیقی، وزن وقافیه و انتظام آن در ، برای کودکان آسانتر می کند.

قصه های منظوم دو گونه اند : یک گونه آنها که با تقلید از قصه های کوتاه منظوم عامیانه ساخته می شود . نمونه های جدید این گونه منظوم ، با وزنهای متغییر هجایی و ترانه ای ، قصه « گل آمد و بهار آمد » منوچهرنیستانی و قصه طوقی م.آزاد (محمود مشرف آزاد تهرانی) است.

شعر پریاو « دخترای ننه دریا » احمد شاملو را هم ، با وجود تفاوتهایشان می توان از قصه های منظوم به شمار آورد . این گونه قصه ها از پیش از مدرسه تا کلاس اول و دوم و حداکثر سوم ابتدایی قرار می گیرند.

گونه ی دیگر از قصه های منظوم همانهایی است که با تقلید از حکایتهای منظوم شاعران کلاسیک ساخته می شود . مانند « مثنوی بچه ی خوب » ساخته مهدی آذر یزدی است ، ودیگری ترجمه منظوم قصه های لافونتن است که به همت سعیدی انجام گرفته است . در اولی ضعفهای است مضمونی و کلامی دیده می شود که نمی توان از آنها گذشته و دومی قدرتهای کلامی دیده می شود که به واسطه کهنگی بیان ضعف به حساب می آید. از قصه های عامیانه می توان از: لچک کوچولوی قرمز ، آقاموشه و سنگول و منگول نام برد.

● نگاهی به ادبیات عامیانه:

قدمت تاریخ ملت ما طبیعتاً ایجاب می کند از منبع بسیار غنی ادبیات عامیانه برخوردار باشیم . خاصه اینکه در این سرزمین از دیر باز اقوام و طوایف مختلف دوش به دوش هم می زیسته اند . و نتیجتاً در طرز تفکر و فلسفه ی زندگی تأثیر بسیار داشته اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ادبیات عامیانه ما مانند ادبیات مردم در هر نقطه‌ی دیگر گیتی آینه‌ای است تمام نما از خصوصیات خلقی و مسائل و راهنماییهای این قوم کهن اگر در لالیبیه‌های مادرانه اثری از غم تنهایی دیده می‌شود. مثل‌هایمان جلوه‌گر شوخ طبعی و تیز اندیشی طبع طنز پسند ایرانی است و در افسانه‌هایمان بخصوص افسانه‌های حماسی مان روح بلند و آزادی طلب مردمی دیده می‌شود که همواره کوشیده‌اند به زیر بار زور نروند و به هر وسیله‌ی دست افکنده‌اند که موجودیت خوش را ثابت و حفظ کنند. این گنجینه‌ی «عظیم» قرن‌ها سینه به سینه از دهان مادر بزرگان به گوش نوه‌ها رسیده است.

گاه و بیگاه نویسنده‌ای از آنها الهام گرفته است و از تلفیق داستانهای عامیانه با تفکرات خویش اثری جدید بوجود می‌آورده است. از این قبیل هستند آثاری چون مر زبان نامه و «شاهنامه‌ی فردوسی». افرادی نیز در طول قرون کوشیده‌اند تا داستانهای عامیانه‌ای را که می‌شنیده‌اند به نحوی ضبط کنند. بسیاری از داستانهایی را که با انشایی نه چندان دلچسب یا چاپی براحتی امروز در میان مردم یافت می‌شود از این قبیل است، مانند: چهل طوطی

نمی‌توان صحبت از ادبیات عامیانه کرد ولی داستانهای دینی راسخ بین مردم را نادیده گرفت. این داستان‌ها که زاینده فکر ابتدای و ایمان راسخ مردم بوده‌اند گرچه پر از خوف و تعصب می‌باشند ولی غذایی هستند معنوی که هنوز میان مردم خاصه در روستاها طرفداران بسیار دارد. کسی که اولین بار داستانهای عامیانه ایرانی را مخصوص کودکان جمع‌آوری و منتشر ساخت «صبعی مهتدی» بود. او فعالیت خویش را در آخرین سالهای قبل از شهریور ۱۳۲۰ آغاز کرد.

بسیاری از مریبان و والدین امروز کودکانی بودند که در ظهرهای جمعه‌ی آن زمان گوش به رادیو می‌سپردند، تا صدای «بچه‌ها، سلام» او را بشنوند. همچنین کتابهای افسانه‌ها و افسانه‌های کهن و (عمو نوروز) او تا کنون بارها تجدیده چاپ شده‌اند.

در اینجا لازم است اشاره شود که صبعی اولین کسی نبود که دست به جمع‌آوری ادبیات عامیانه در ایران زد. صادق هدایت سالها قبل از او این کار را کرده بود، ولی صبعی کسی بود که ادبیات عامیانه را برای کودکان و نوجوانان جمع‌آوری کرد. با وجود این مجموعه‌هایی را به هیچ وجه نمی‌توان بهترین باز نویسی از ادبیات عامیانه ایرانی دانست، زیرا چیزی است بین یک اثر عامیانه‌ی یک باز نویسی خلاق.

در سالهای اخیر عده‌ی زیادی به جمع‌آوری ادبیات عامیانه در نقاط مختلف کشور پرداخته‌اند با دیدی آشنا به روحیه‌ی اطفال و نوجوانان مجموعه‌هایی را منتشر ساختند. گرچه از لحاظ ارزش ادبی کار این افراد کاملاً متفاوت است ولی در اینجا لازم است در زمینه‌ی گردآوری و باز نویسی ادبیات عامیانه برای کودکان از افرادی چون کوهی کرمانی، صمد بهرنگی، بهروز دهقانی، محمود فارسی، ابوالقاسم فقیری، فریده‌ی فرجام و مهدخت دولت‌آبادی یاد شود.

● فلکلر یا فرهنگ عامه:

از زمانی که «فلکلر» یا «فرهنگ عامه» به عنوان یک رشته‌ی علمی در جهان معرفی شد، و مواد فلکلری جزئی از تحقیقات مردم‌شناسان قرار گرفت «هنر شفاهی» یا «ادب عامه» نیز اهمیت ویژه‌ای یافت و موضوع اساسی تحقیق کارشناسان و محققان علوم اجتماعی و انسانی، به ویژه فرهنگ عامه - شناسان و زبان‌شناسان واقع گردید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هنر شفاهی یا «ادب عامه» چنان که قبلاً در بخش تعاریف و کلیات اشاره شد، یکی از سه اصل بنیادی رو ساخت هر جامعه است و همه ی گونه های روایات منثور و منظوم، مانند اُسطوره، قصه یا افسانه، حکایت، متل، دوبیتی یا ترانه، تصنیف، مثل، چیستان، اصطلاح و تشبیه و کنایه را، که شفاهاً از فردی به فرد دیگری، یا از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، در بر می گیرد.

چون «فرهنگ عامه» متعلق به توده ی مردم ما و به زندگی واقعی وابسته است، از این رو «ادبیات عامه» هم پیوندی با واقعیت‌های زندگی عادی مردم دارد. «ادبیات عامه» انکاره هایی از زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه ی کار و تولید، ویژگی‌های رفتار و روابط، سنخ اندیشه و احساس، نوع گرایش، مذهب و اخلاق، و اعتقادات مردم جامعه را که در صفحات تاریخ ثبت و ضبط شده، تصویر می کند. در هنر «شفاهی» این کیفیات و خصوصیات ما ونیز فلسفه و منطق و قانون زندگی، و جویات و هزلیات آن مطابق با نظام اجتماعی جامعه تعبیر و تفسیر می شود.

ادب عامه به طور کلی ما زاده ی نوع روابط و مناسبات و شعور جمعی مردمی است که در یک واحد اجتماعی زندگی می کند و با یکدیگر به وسیله مجموعه ای از سنت‌های مشترک و عمومی پیوند و همبستگی دارند.

ساختمان «ادبیات عامه» بر دواصل واقع گرایی و خیال پردازی بنیاد گرفته است. این دو جنبه وقتی در «ادب عامه» با هم می آمیزند، صورتهای گوناگون «ادبیات عامه» را زیباتر و دلپذیر تر و مقبول عام و خواص می کند. «هنر شفاهی» برداشت‌ها و تلقی‌های ساده و بی پیرایه ی اقوام ابتدائی و روستایی را از زندگی و مرگ، جهان لاهوتی و ناسوتی، کائنات و طبیعت موجودات عالم را تبیین و تشریح می کند. این برداشتها و تلقیها به گونه پیام و رسالت انسان از معبر زمان و مکان می گذرد و از نسلی به نسل دیگر و از قومی به قوم دیگر انتقال می یابد.

ادب عامه زبانی روان و ساخت و ترکیبی ساده و بی پیرایه دارد. بی پیرایگی و سادگی صورتهای «ادب عامه» همچون بی پیرایگی و آزادگی زندگی آفرینندگان آن می باشد. «آریان پور» در جامعه شناسی هنر در باره ی سبک هنر عوام می نویسد آثار هنری عوام همیشه ساده و بی پیرایه است. زیرا از زندگی مردم ساده ای که دنیای نظر را صرفاً محض دنیای عمل می خواهند، بر می خیزد. مردم عادی هنگام سخن گفتن، جز بیان مطلب غرض دارند «هنر عوام در آغوش جامعه به بار می آید و پیوند مستقیم نزدیکی با زندگی تولیدی جامعه دارد و چون جوامع مختلف از حیث تولید، مراحل همانندی را می گذارند، می توان در فلکلر اقوام مختلف مشابهات فراوان یافت.

یکی از تفاوت‌های «ادب شفاهی» با «ادب مکتوب» این است که «ادب شفاهی» یا ادب عامه سراینندگان یا گویندگان شناخته و معلوم ندارد و همه ی گونه های آن حاصل و بازتاب ذهن جمعی افراد جامعه است، که به منظور ارائه طریق، و دستورالعمل زندگی، و راه یابی و راه گشایی، و شناساندن ارزش های عناصر اجتماعی به اعضای جامعه پدید می آیند پراکنده می شوند. در صورتی که «ادب مکتوب» آفرینندگان شناخته و معلوم دارد، و غالباً به منظور ارج گذاری و اعتبار دهی به سراینندگان و گویندگان آن یا گروه و قشر خاصی پدید می آید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اگر گونه‌هایی از «ادب عامه» یا صورتهایی از فلکلر یک قوم زمانی از رواج بیفتد و دیگر به کار نروند و به این علت است که یا با انگاره‌های پذیرفته شده و سنتهای «فلکلر» یا فرهنگ آن قوم قابل تطبیق نیستند، یا اینکه رفع نیاز نمی‌کنند و برای جامعه مفید و موثر نمی‌باشند. اگر «فلکلر» یا «ادب عامه» در انگاره‌های فرهنگی یک قوم یا جامعه پذیرفته شوند، به همان گونه و شیوه که همه‌ی عناصر فرهنگی در یک جامعه‌ی ابتدایی یا روستایی تقریر و بازگو می‌شوند، صوتهای «فلکلر» نیز تکرار و بازگو می‌شوند.

● تاثیر فرهنگ عامه بر قصه‌های کودکان:

■ قصه و قصه‌گویی:

قصه و قصه‌گویی پدیده‌ای است که قدمت آن شاید به قدمت پیدایش زبان و گویای آدمیزاد باشد.

آنچنانکه تقریباً هیچ قومی و ملت کهنی را نمی‌توان یافت که دارای قصه‌ها و حکایتهای مذهبی، حماسی، اجتماعی و امثال آنها نباشد.

آنان که در تاریخ تحقیق کرده‌اند می‌گویند: پدران و اجدادها هنگام کار و پس از فراغت از آن یا هنگام جنگ و ستیز و یا در هر حال دیگر دور هم جمع می‌شوند و در اطراف خدایان شنیده‌ها و عقاید خود، و دیده‌های خود را داستانسرای می‌کردند و مادران جهت سرگرم کردن و احياناً خواباندن بچه‌ها ی کوچک خود، برای آنها قصه می‌گفته‌اند.

علاقه به قصه منحصر به طبقه و قشر خاصی از اجتماع نبوده است، از افراد پایین تر قشرهای اجتماع تا شاهان و امراء و از با سواد تا بی سواد، به قصه علاقه داشته‌اند.

قسمت بسیار بزرگ و قابل توجهی از ادب عوام را قصه‌ها و حکایات تشکیل می‌دهد که محققین از خلال همین قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه با آداب و رسوم و عقاید و افکار نسلهای گذشته آشنا شده‌اند. همچنان که تاریخ مردم باستان هم به صورت قصه و نقل داستان به ما رسیده است. زیر تا آن زمان خط و کتاب وجود نداشت، کسی نمی‌توانسته وقایع تاریخی را بنویسد و همین نقل سینه به سینه و قایع، آن هم به شکل قصه باعث شده است که ما امروز بتوانیم تا حدودی از مسایل و عقاید مردم آن زمان‌ها آگاهی داشته باشیم. جامعه‌ترین و روشن‌ترین نوع گروه بندی خواندنیهای کودکان و نوجوان آن باشد که کلیه آنها را صرف نظر از شکل نوشته و گروه‌های سنی خوانندگان، از لحاظ موضوع دسته بندی کنیم. و آن ۳ دسته کلی داستان، غیر داستان و شعر می‌باشد.

■ داستان:

داستان به نوشته‌ای گفته می‌شود که در آن نویسنده فکر اصلی خود را در قالب حکایتی به خواننده ارائه می‌دهد. خواه داستان کاملاً تخیلی و غیر واقعی باشد و خواه واقعیت زندگی باشد که نویسنده آن را پرداخت و آرایش داده باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در یک داستان خوب نه فقط سبک نگارش و شیوه پرداختن موضوع بسیار مهم است بلکه انتخاب موضوع و قالبی که موضوع در آن ریخته می شود نیز خود هنر است. «ادبیات کودکان» فقط به داستانهای خاص کودکان و نوجوانان اطلاق می گردد. داستانها که نوع وسیعی از ادبیات کودکان و نوجوانان هستند از لحاظ موضوع و طریقه پروراندن آن به چند دسته تقسیم می شوند. و اینک به طور مختصری هر یک را توضیح خواهیم داد.

الف) داستانهای واقعی:

داستان واقعی داستانی است که اگر چه مخلوق تخیل زنده و بیدار نویسنده است ولی در اجزای متشکله آن و در سیر ماجرا چیزی وجود ندارد که وقوع آن را غیر ممکن سازد. از زندگی و ماجراهای گوناگون آن الهام می گیرد و داستان می آفریند که گرچه ممکن است عیناً اتفاق نیفتاده باشد ولی بدون شک امکان وقوع آن بسیار است. داستانهای واقعی با توجه به اینکه درباره ی هر چیز و هر کس و هر جا باشند انواع مختلف و بسیار دارند که مهم ترین آنها عبارتند از:

داستانهایی از صحنه های مختلف زندگی اطفال، داستانهای حیوانی داستانهای ماجراجویی، داستانهای تاریخی، داستانهای فکاهی و طنز آمیز و داستانهای عاشقانه.

ب) افسانه ها:

داستانهایی که دارای عوامل تخیلی بسیار هستند و امکان وقوع ماجراهای آنها بسیار بعید و در واقع غیر ممکن هستند «افسانه» نامیده می شوند. محققان ادبی معتقدند که از قدیمی ترین نوع ادبیات هستند به خصوص افسانهایی که از دیرباز میان مردم جهان رایج بوده اند و از سینه به سینه نقل شده اند. افسانه ها را به طور کلی به دو دسته ی عامیانه و جدید تقسیم می شوند.

افسانه های عامیانه از زمانهای بسیار قدیم میان مردم و اقوام مختلف نقل شده اند. افسانه های عامیانه طبعاً حالت گفتار دارند زیرا قرنهای پیش از چاپ و حتی قبل از وجود خط و فن کتابت وجود داشته اند. این قصه ها در طول زمان سفر کرده اند به کمک نقالان و فروشندگان دوره گرد و همراه کاروانیان از دیاری به دیار دیگر رفته اند. در اثر همین مسافرت در زمان و مکان از صورت اولی خویشی در آمده اند و در هر زمان و محلی مطابق احتیاجات روانی و اجتماعی مردم تغییر شکل یافته اند. افسانه هاسی عامیانه ی یک قوم نمایشگر عقاید و آداب و رسوم آن قوم، مبین احساسات و دید مردم آن نسبت به مسائل زندگی است.

-در بیشتر افسانه های ملل خصایل عالی انسانی از قبیل فروتنی، جوانمردی، سخاوت.....مورد ستایش قرار می گیرد.

-شیوه ی بیان افسانه ها بسیار به گفتار مردم نزدیک است زیرا اصولاً زمانی به وجود آمده اند که نگارش وجود نداشته است.

-افسانه های عامیانه معمولاً از طرح خاصی پیروی می کنند. شروع و پایان مخصوص به خود دارند. شخصیتهای اصلی داستان اغلب در همان چند جمله ی اول معرفی می شوند و بعد این شخصیتها با گره اصلی مواجه شده و در طی ماجراجویی بسیار سریع و پرحادثه این گره بدست محبوبترین قهرمان افسانه گشوده می شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

-ماجرا در افسانه های عامیانه نقش بسیار مهمی را بر عهده دارد . وقایع چون دانه های ریز یک زنجیر تند و سریع یکی پس از دیگری قرار می گیرند و هرگز شنونده یا خواننده را با جمله سازیهای زیاد و توضیحات و توصیفات بی فایده معطل نمی گذارد .
-تکرار ، یکی از خصوصیات برجسته ی داستانهای عامیانه است . این تکرار هم درز سبک نگارش و هم در ساختمان افسانه موثر است مانند : افسانه هایی چون «موش دم بریده» یا « مهمان نا خوانده » نقش اساسی دارد .

-در افسانه های عامیانه افراد اصلی داستان شخصیتهای روشن و مشخصی دارند و اغلب مشابه هستند .

-افسانه های ملل نویسنده ی خاصی ندارند . زیرا سالها بلکه قرنها پس از بوجود آمدن جمع آوری و نگاشته شده اند .

-تنوع افسانه های عامیانه نشانه ی گسترش عظیم تخیل انسانی است . دسته ای از آنها برای پند آموزی و تربیت نو رسان بوجود آمده اند ، در حالی که بعضی جنبه ی فلسفی و دینی دارند . از این رو طبقه بندی افسانه ها کارآسانی نیست ، ولی به هر حال شناختن مهمترین انواع آن برای کسانی که می خواهند از این افسانه ها برای اطفال استفاده کنند لازم است .

● تأثیر فرهنگ عامه بر شعر کودکان:

شعر ها افسانه اند و افسانه ها شعرند . اما نه شعر خالی از حقیقت انسان و واقعیت زندگی اوست ، نه افسانه . شعر هم مانند افسانه ها با همه خیالها و زیباییها می توانند زندگی ساز باشند و یا زندگی سوز ، و این جاست که شعر کودک در برابر شعر بزرگها اهمیت خود را بر کرسی بلندتری می نشانند . بزرگ ها همینند که هستند ، و شعری که به آنها بدهی ، در آن خود را می جویند ، و چون خود را نیابند ، آن شعر را آینه ای نا مناسب می دانند و به دو روش می اندازند و فراموش می کنند . اما کودک آن نیست که هست ، آن است که خواهد شد ، و هر شعری که به او بدهی در آن خود را می سازد .

یکی از انواع شعر ، شعر عامیانه می باشد . شعر عامیانه شعری است که مناسب و نا مناسب سینه به سینه از بزرگها به کوچکها داده شده است . شعری که بیشتر مادر ها در تنهایی خود با کودکان ، با آن زیسته اند . به کودکان آرامش یا شور بخشیده اند .

-شعر عامیانه عناصر اصلی شعر کودک را در خود به وفور دارد . از موسیقی و زن و قافیه سرشار است . این موسیقی پر جنبش و شور است . حتی هنگامی که ملایم است ، ملایمت آن رهگذر جنبشی و شوری ملایم است .

-در شعر عامیانه اجزائی از دنیای طبیعی کودک به کار رفته است .

-کودک در شعر عامیانه هر چه بیشتر به واقعیت خود نزدیک می شود و نیز حقیقت زندگی .

-در شعر عامیانه هدف بیشتر سرگرم داشتن و لذت دادن است تا آموختن و تربیت کردن .

-در شعر عامیانه کودک ناگزیر نیست که نفس وافق خود بیرون آید و به آفاق و انفس بزرگ ما قدم بگذارد .

-کودک ناگزیر نیست که الفاظ شعر عامیانه را مانند فرمولهای ریاضی حفظ کند و همواره برای درک مفاهیم تلاش کند .

-کودک شعر عامیانه را به سادگی هوا استنشاق می کند و به سادگی خنده یا حتی گریه بروز می دهد .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شعر «پریا» احمد شاملو موفقترین نمونه ی تقلید از شعر عامیانه است.

در ساختمان شعر کودک عناصر پایدار و طبیعی شعر عامیانه را نباید فراموش کرد.

● استنتاج و راهکارها:

با توجه به آن که نخستین سالهای کودکی با قصه گوئی و شعر خوانی والدین برای بچه ها همراه است کودکان و نوجوانان در دوران تحصیل نیز نمی توانند از تأثیر قصه برکنار باشند. اصولاً قصه ها قدرت جادویی عجیبی دارند و به همین سبب می توان سخت ترین مشکلات و مسائل حیات را در قالب آنها به کودکان آموزش داد. و یک معلم تیز هوش و با تجربه برای جلب توجه و تمرکز ذهن دانش آموزان گریزپا و پریشان حواس می تواند درس خود را با داستانی آغاز کند یا در واسط درس قصه ای را چاشنی آن کند. و بر تأثیر آموزش بیفزاید.

- همه ی بچه ها و حتی بزرگترها حوصله و «خواندن» قصه ها را ندارند، اما برای شنیدن قصه آمادگی بیشتر می دارند.

- قصه گوئی به بچه ها کمک می کند و که بعداً، راحت تر بخوانند و زیرا درک معنی کلمات آن ها افزایش می یابد.

- شنیدن قصه باعث می شود که علاقه کودک به «خواندن قصه» بیشتر شود و شوق مطالعه را فراهم می کند.

- تکرار قصه باعث می شود که بچه ها به کشف موارد مجهول قصه بپردازند و با پیش بینی آینده ی قهرمان لذت بیشتری کسب کنند.

- متناسب بودن سن مخاطبها هم کار دستی نیست. مسلماً قصه خردسالان برای نوجوانان مناسب نیست.

- هر چه ارتباط عاطفی قصه گو با مخاطبها بیشتر باشد، کارش موثر تر است.

- آموزگاران چون ساعات زیادی را با بچه ها هستند و رشته انس و الفت محکم تری با بچه های اطراف خود دارند، بهترین قصه گوینان بالقوه هستند.

- بچه ها نسبت به بزرگسالان حسی تر هستند و لذا از راه چشم که یکی از حس ها ست، راحت تر درک مطلب و پیام پذیری دارند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تقدیر نامه

از دوستان و همکاران عزیزى که ما را در نگارش این مقاله یاری کردند و تجربیات خود را در اختیار مان قرار دادند نهایت تشکر و قدردانى را داریم.